



مطبوعات و تحولات اجتماعی در ایران

گزارش فشرده‌ای از نتایج یک تحقیق روی روزنامه‌های کیهان و اطلاعات از سالهای ۴۲، ۵۲، ۶۲ و ۷۲

محمد مهدی فرقانی

اشاره

هر تحولی و هر حرکتی از وضع موجود به وضع مطلوب، نیاز به شناخت گذشته و حال دارد. بدون این آگاهی و بدون توجه به ریشه‌ها و علل شکست‌ها و کامیابی‌ها، حرکت به سوی آینده، در مسیری روشن و هدفدار صورت نخواهد گرفت. تاریخ روزنامه‌نگاری هر کشور به بیانی، تاریخ تحولات عمومی آن جامعه است و پژوهش در روزنامه‌نگاری به یک معنا پژوهش در اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز هست. هیچ عرصه دیگری از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به سرعت و شدت روزنامه‌نگاری تحت‌تأثیر شرایط و دگرگونی‌های جدید و تغییر ساختار سیاسی داخلی و بین‌المللی قرار نمی‌گیرد، به علاوه خود حریفه روزنامه‌نگاری نیز بیش از حرفه‌های دیگر در دورانی کوتاه، دستخوش تغییر و تحولات گسترده شده است و این خود بر جریانهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به قول «فیلیپ گایار» نویسنده فرانسوی کتاب «فن روزنامه‌نگاری»، «دگرگونی مطبوعات، نتیجه مستقیم عملکرد نیازها و شرایط عصر ماست».

تحلیل محتوای مطبوعات، به عنوان شیوه‌ای عینی و علمی می‌تواند ما را نسبت به آنچه داریم و انجام داده‌ایم و مقایسه تطبیقی آن با گذشته، آگاه و هوشیار سازد. کمبودها، ضعف‌ها و نارساییها را بر ملا سازد، نقاط قوت را بنمایاند و تصاویر مبهم ذهنی ما را به داده‌های شفاف و روشن بدل سازد. بسیاری اوقات ممکن است خود دست‌اندرکاران مطبوعات هم ندانند که دقیقاً چه کرده‌اند و آنچه انجام داده‌اند چه مسایب و محاسنی دارد. برای همین، گاه داورهای غیرمنصفانه‌ای در قبال عملکرد مطبوعات شکل می‌گیرد و زمانی نیز تساهل و تسامح آنها مورد غضبت و فراموشی واقع می‌شود. و این، هر دو نسامطلوب و گسراه‌کننده است. تحلیل محتوای مطبوعات، تصویری از واقعیت‌ها را نشان می‌دهد که شاید غالباً برای عاملان آن هم ناشناخته است. تفاوت‌های ذهنی، غالب اوقات ارزش استنادی

ندارند و چه بسا فردی براساس برداشتها و تمایلات شخصی خود به داوری در قبال تاریخ مطبوعات کشورمان پردازد و در نتیجه آن را تحریف کند. تحقیق حاضر که با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا روی دو روزنامه کیهان و اطلاعات در چهار دوره حساس و مهم تاریخ کشورمان یعنی سالهای ۴۲، ۵۲، ۶۲ و ۷۲ صورت گرفته، در پی آن بوده است که برداشت‌های ذهنی را به محک مطالعات عینی و علمی بزند و در واقع عیار آنها را بسنجد. شاید اگر یک صاحب‌نظر براساس درک و دویافت‌های خود، نسبت به برخی از عملکردهای مطبوعات حال و گذشته، تأیید یا تکذیبی داشته باشد، سخت مورد انتقاد و شماتت قرار گیرد و متهم به فرض‌ورزی گردد. اما وقتی داوری با داده‌های عینی همراه شد و از زبان آمار و ارقام بیان گردید هیچ قاضی منصف و حق‌جویی، قادر به نفی آن نیست.

این بررسی بر روی نمونه‌هایی که از دو روزنامه اطلاعات و کیهان یعنی قدیمی‌ترین و ست‌داورترین مطبوعات ایران در مقاطع موردنظر انتخاب شد صورت گرفت. نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع تصادفی طبق است. انتخاب نمونه‌ها براساس فصول سال صورت گرفته و هرچهارفصل سال در نمونه آساری حضوری یکسان دارند. یعنی از هرماه ۲ شماره انتخاب شده است، یک شماره از نیمه اول و یک شماره از نیمه دوم. در نهایت از هرمنطق ۲۴ شماره از هر یک از دو روزنامه انتخاب شده و مجموعاً ۱۹۲ شماره از روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در چهار مقطع، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روزنامه اطلاعات اکنون ۷۰ ساله و کیهان ۵۴ ساله است. این عمر نسبتاً طولانی، هم حاکی از پایداری و شاید تا حدودی مسؤلیت‌شناسی آنهاست و هم بررسی، مطالعه و مقایسه آنها را در دوره‌های مختلف تاریخی، میسر می‌سازد.

آنچه در ادامه می‌خوانید، چکیده‌ای از متن کامل این تحقیق است که برای چاپ در رسانه خلاصه شده است.

در کشور ما دو روزنامه کیهان و اطلاعات همواره به دلیل سابقه، نفوذ و وسعت میدان انتشارشان، مورد ارزیابی‌های مثبت و منفی بوده‌اند. این روزنامه‌ها گاه توانسته‌اند به توقعات و انتظارات مخاطبان‌شان تا حدودی پاسخ گویند و رضایت آنها را جلب کنند و زمانی نیز از آنها فاصله گرفته‌اند. گاه به دولت نزدیک‌تر شده‌اند، موقمی به مردم و زمانی، تعادل و توازنی بین این دو را حفظ کرده‌اند. به‌رحال، چند دهه عمر این دو روزنامه توقعات عمومی را از آنها بالا برده است.

این پژوهش در پی آن است که به بررسی عملکرد دو روزنامه مذکور بنشیند تا روشن شود که از نظر محتوایی و ساختاری، چه ویژگی‌هایی دارند، در طول سال‌های مختلف، چه تغییر و تحولاتی را به خود دیده‌اند و اکنون دارای چه وضعیتی هستند. چه ضعف و قوت این دو روزنامه می‌تواند به نوعی بیانگر پزیردگی یا شادابی عمومی مطبوعات نیز باشد. زیرا بسیاری از مطبوعات و به‌ویژه روزنامه‌های تازه تولد یافته، از این دو روزنامه الگو و نیرو می‌گیرند. در عین حال هر دو روزنامه، هم قبل و هم بعد از انقلاب، سرنوشتی تقریباً مشترک داشته‌اند، امکانات و مقدرات آنها از جهات مختلف، مشابه بوده، مالکیت و مدیریت و وضعیت مالی آنها و شرایط اجتماعی و سیاسی که در آن فعالیت داشته‌اند بسیار نزدیک به هم بوده است.

در این بررسی، تنها صفحات اول دو روزنامه اطلاعات و کیهان انتخاب شد، زیرا این صفحه در همه روزنامه‌ها، بخصوص روزنامه‌های ما که صفحات اول آنها نقش ویرینی برای نمایش محتوای داخلی آنها و برجسته‌سازی رویدادها و موضوعات مهم را دارند، از اهمیتی خاص برخوردار است.

فرآیند «دروازه‌بانی» که در مورد کلیه مطالب روزنامه به نوعی اعمال می‌شود در مورد صفحه اول، روندی پیچیده‌تر و دقیق‌تر را طی می‌کند تا آنچه به این صفحه راه می‌یابد از جنبه‌های مختلف ارزشی و اعتقادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیز جاذبه‌های خبری لازم برخوردار باشد.

در واقع صفحه اول، تا حدود زیادی اولویت‌های ذهنی مخاطب را شکل می‌دهد و بیانگر اعتبار و اهمیتی است که روزنامه برای رویدادها و موضوع‌های مختلف در هر روز قابل است. گرچه خوانندگان روزنامه، تنها

■ **روحیه تخصص‌گرایی و حرفه‌ای‌گرایی در مطبوعات در سال ۶۲ تا حدودی کم‌رنگ شد. رشته مستقل روزنامه‌نگاری نیز در دانشگاه‌ها منحل شد. اما این دوره در عین حال دوره تجربه‌های تازه روزنامه‌نگاری عصر انقلاب و جنگ نیز هست.**

■ **در دوره ۷۲ سال دیگر توجه به آموزش و تخصص روزنامه‌نگاری در سطح کشور نسبت به سال ۶۲ افزایش می‌یابد. رشته روزنامه‌نگاری در دانشگاه علامه استقلال خود را باز می‌یابد. دوره تحصیلات تکمیلی این رشته نیز از سال ۶۹ دایر می‌شود.**

واقعیت‌های پشت پرده پیرامون این دو رویداد، تحریم عید نوروز سال ۱۳۴۲ به‌وسیله مراجع، حمله دوم فروردین ۴۲ کماندوهای رژیم شاه به مدرسه فیضیه قم و کشته و زخمی شدن عده‌ای از طلاب و روحانیون، سخنرانی مشهور امام در ۱۳ خرداد ۴۲ هم‌زمان با عاشورای حسینی در مدرسه فیضیه و تهییج مردم علیه واقعه دوم فروردین، دستگیری امام و قیام ۱۵ خرداد ۴۲ از جمله رویدادهای مهمی بود که رژیم را به واکنش خشونت‌بار، سرکوب، راه‌انداختن موج دستگیری‌ها و اعدام‌ها کشاند. در واقع علی‌رغم آنکه رژیم شاه با درهم شکستن این مقاومتها، در پی اعمال حاکمیت بیچون‌وچرای خویش بر همه امور بود، عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که نوعی «نهضت بازگشت به خویش» که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ آغاز شده بود از دهه ۴۰ و به‌خصوص بعد از حوادث ۱۵ خرداد ۴۲، اوج گرفت و تا بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم شاه ادامه یافت.

تصویب کنایتولاسیون در مردادماه ۴۳، سخنرانی‌ها و افشاگری‌های امام و برخی دیگر از مراجع و روحانیون در مورد عدم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و سلطه آمریکا و اسرائیل بر مقدرات ملت ایران و بالاخره تبعید امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به دنبال رویدادهای سالهای ۴۱-۴۲ از جمله اتفاقات مهم و تعیین‌کننده است که تأثیر اجتناب‌ناپذیر خود را بر فضای مطبوعاتی کشور باقی گذاشت و سلطه و کنترل دولتی را بر مطبوعات فزونی بخشید و آن را به صورت یک نظام سامان یافته در آورد.

در عین حال رویدادهای سالهای ۴۱-۴۲ و ۴۳، نقش و قدرت پایگاه‌های ارتباطات سنتی به ویژه بخش مذهبی آن را در ایران به نمایش گذاشت و گرچه به علت عدم سازماندهی نتوانست در آن مقطع به توفیق نهایی دست

تحت‌تأثیر برجسته‌سازی‌های صفحه اول، به رویدادها و مسایل نگاه نمی‌کنند و عوامل دیگری نیز در شکل دادن به طرز تلقی آنها مؤثر است اما نمی‌توان انکار کرد که تیرهای صفحه اول در این زمینه نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارند. حتی زمانی که مخاطب، نسبت به تیر و موضوعی که در صفحه اول برجسته شده در خود احساس مقاومت و مخالفت می‌کند، بازهم می‌توان گفت این برجسته‌سازی به نوعی دیگر براو تأثیر گذارده است. در عین حال، صفحه اول در نگاه نخست به خواننده می‌گوید که درجه اهمیت رخدادها چگونه است و آیا آنچه را که به دنبالش هست در روزنامه خواهد یافت؟ اگر توجه کنیم که روند انتخاب و نگارش تیرهای صفحه اول بعد از انقلاب، پیچیده‌تر شده و از شکل گزینش فردی به شیوه شورایی تغییر شکل داده و میزان دقت، دوراندیشی و زمانی که صرف تهیه آنها می‌شود به مراتب بیشتر شده، به اهمیت بیش از پیش این صفحه و تیرهای آن پی می‌بریم.

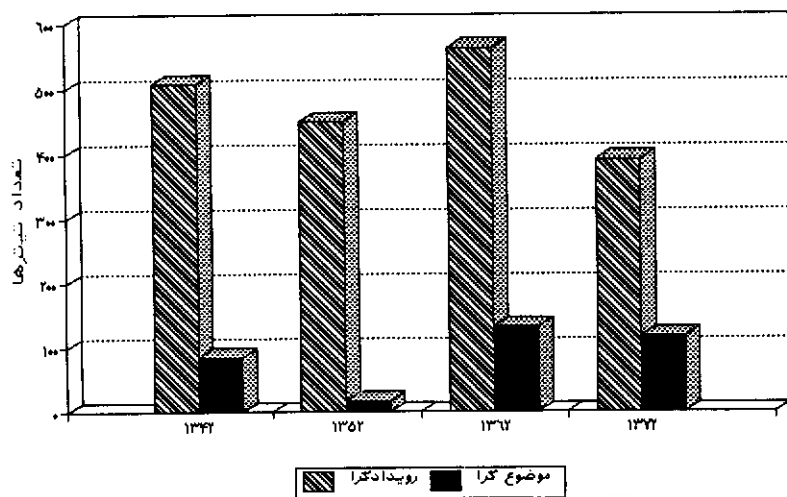
ویژگی‌های تاریخی چهار دوره مورد بررسی

گفتیم که در این بررسی، چهار دوره تاریخی انتخاب شده است. هریک از این دوره‌ها ویژگی‌هایی دارد که تا حدود زیادی بر کم‌وکیف مطالب روزنامه‌ها تأثیر گذارده‌اند.

الف. دوره ۱۳۴۲:

رژیم شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در پی تحکیم سلطه و اقتدار خویش برآمد. این فعل و انفعالات، از اوایل دهه ۴۰، شکل و روندی جدی‌تر به خود گرفت. تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در مهرماه ۱۳۴۱، رفتارندوم ششم بهمن ۴۱ و اعلام اصول «انقلاب سفید» و مخالفت شدید روحانیون و بازار و به‌ویژه امام خمینی (ره) با آنها و افشای

مقایسه مقاطع چهارگانه از نظر گرایش تیترها



یابد ولی کارآیی‌های آن را تا حدود زیادی نشان داد. با این حال رژیم شاه، این قدرت را هرگز نشناخت و آن را دست‌کم گرفت. همین شبکه در سال ۵۷، با قدرت خارق‌العاده خود، نظام را به زانو در آورد.

اکنون وقتی به صفحات روزنامه‌های آن دوره نگاه می‌کنیم و در عین حال کتاب‌های تاریخ را از نظر می‌گذرانیم به این حقیقت پی می‌بریم که آنچه در صحنه سیاسی ایران اتفاق افتاد با آنچه در تیترها و مطالب صفحه اول این دو روزنامه منعکس شد تفاوتی گاه فاحش دارد. خبرهای این دوره مثل اکثر دوره‌های فعالیت مطبوعات، یک سو به قول منابع دولتی و علیه مخالفان سیاسی رژیم، نقل می‌شد و در واقع به شکل تحریف‌شده در اختیار افکار عمومی قرار می‌گرفت و این خود وابستگی نسبتاً بالای مطبوعات را به دستگاه حاکم و منابع دولتی نشان می‌دهد، عاملی که، در طول تاریخ تا حدود زیادی موجب بی‌اعتباری روزنامه‌ها و سلب اعتماد عمومی نسبت به آنها شده است.

ب. دوره ۱۳۵۲:

دوره تحکیم ظاهری سلطه رژیم شاه، اعمال کنترل، سانسور و نظارت هر چه بیشتر دولت بر مطبوعات از طریق مستقیم و غیرمستقیم، تهدید و ارعاب دست‌اندرکاران، تطمیع و باج‌دانه‌ها، دستگیریه‌ها و بازداشت‌ها و به بیانی دوره اوج‌گیری «ژورنالیسم حرفه‌ای» به مفهوم منفی آن، یعنی کم‌توجهی به مسئولیت‌ها و رسالت‌های حرفه‌ای بود. ارسال عکس و مطلب از سوی رژیم به مطبوعات و اجبار به چاپ آنها، تهیه فهرست «تابوها» و «ممنوعات»، خبری شدن بیش از حد مطبوعات و غیرسیاسی شدن آنها در کنار هدف غیرسیاسی کردن جامعه، از جمله اتفاقات دیگری بود که در این دوره افتاد. تعطیل ۷۵ نشریه در سال ۴۲ توسط اسدالله علم نخست‌وزیر وقت و تکرار این حرکت در سال ۵۰ توسط هویدا به منظور تحت کنترل در آوردن سایر مطبوعات و البته با بهانه واهی کمک به مطبوعات در حال ورشکستگی و با هدف ایجاد «دهه بی‌خطر برای شاه»، ظاهراً توانسته بود، تهدیدهای بالفعل را به حداقل برساند.

نقض حقوق بشر در ایران، دستگیری، اعدام یا سرکوب مخالفان و جنبش‌های مذهبی و چریکی، جلب همراهی و مساعدت بیش از

حدودی باعث اعاده حیثیت روزنامه‌نگاران و نزدیک شدن مردم به مطبوعات شد، تجربه کردن چند دوره یا حال و هوای روزنامه‌نگاری در طول سال ۵۷، چاپ نخستین عکس امام در روزنامه کیهان در هفتم شهریور ۵۷، و نخستین رکورد تیراژ یک میلیون و دویست هزار نسخه‌ای، پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن همین سال، تغییر و تحولات وسیع درون مطبوعات از نخستین ماه‌های سال ۵۸ و تأثیر آن بر فضای روزنامه‌نگاری، اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط گروه «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» در آبان ۵۸، آغاز جنگ عراق با ایران در شهریور ۵۹ و تجربه گرانبار روزنامه‌نگاری در شرایط جنگی و تأثیر جنگ بر فضای روزنامه‌نگاری در کشورمان، محدود شدن شدید تعداد مطبوعات در سال‌های ۵۹ و ۶۰ و در پی آن تولید نشریات تخصصی، از جمله رویدادهای قابل ذکر در این دوره است. در واقع روزنامه‌نگاری و مطبوعات سال ۶۲، تحت تأثیر این رویدادهاست و از دل آن، سر برآورده است.

به‌رحال، سال ۶۲ از سال‌های اوج‌گیری جنگ ایران و عراق به‌شمار می‌رود و بیشترین دلمشغولی مطبوعات نیز، چگونگی پرداختن به اخبار جنگ و در عین حال مسائل جنبی آن است. از یک طرف می‌بایست رویدادهای جنگ را پوشش دهند، روحیه ملی را حفظ و تقویت کنند، نقش خود را در بسیج نیروها ایفا نمایند، نیازهای اطلاعاتی و خبری مخاطبان را در مورد اوضاع جنگ تأمین کنند و از جانب

پیش آمریکا و وجود هزاران زندانی سیاسی، در شرایطی صورت می‌گرفت که مطبوعات تا حدود زیادی به سکوت فراخوانده شده بودند. در این دوره نیز مطبوعات با جریان‌های مخالف، به‌صورت یک‌طرفه و از موضع دولت برخورد می‌کردند. شیوه‌ای که در سالهای بعد هم غالباً ادامه یافته است - و در غالب موارد، همراهی کامل نشان می‌دادند.

رژیم شاه، از طریق ارعاب مطبوعات و اعمال فشار بر آنها، هدف دوگانه‌ای را تعقیب می‌کرد:

۱. اندیشه آزاد و گزارش‌های مربوط به حرکت مستقل مردم که با دیدگاه‌های حاکم مغایر است در مطبوعات انعکاس نیابد.
۲. مطبوعات بازتابنده افکار و اندیشه‌هایی باشند که منافع رژیم اقتضا و آنها را بر مطبوعات تحمیل می‌کرد.

ج. دوره ۱۳۶۲:

روزنامه‌نگاری در این دوره، شرایط و خاصه‌هایی کاملاً متفاوت با دوره قبل دارد. طی یک دهه، اتفاقات مهمی در کشور روی داده که بسیاری چیزها را از بیخ و بن تغییر داده است. عمده این رویدادها از دی ماه ۵۶ با چاپ مقاله‌ای با نام مستعار «رشیدی مطلق» در روزنامه اطلاعات شروع شد. خیزش‌های مردمی و تبدیل آن به قیام یکپارچه علیه رژیم شاه، به رهبری امام خمینی (ره). به دنبال چاپ این مقاله، اعتصاب‌های ۳ روزه و دو ماهه مطبوعات علیه سانسور و خفقان دیکتاتوری به ترتیب در ۱۹ مهر و ۱۵ آبان ۵۷ که خود تا

جدول شماره ۱

تعداد درصد فراوانی مطالب دو روزنامه پس از ادغام در چهار مقطع، از حیث محتوا برحسب طبقه بندی ۱۵ گانه موضوعی

موضوع	۱۳۷۲	۱۳۶۲	۱۳۵۲	۱۳۴۲	جمع
۱. نظامی، دفاع، خشونت‌های سیاسی	۶۴	۱۸۳	۸۵	۷۶	۴۳۸
تعداد	۶۴	۱۸۳	۸۵	۷۶	۴۳۸
درصد سطری	۲۱/۵	۴۱/۸	۱۹/۴	۱۷/۴	۱۹
درصد ستونی	۱۸/۵	۲۶	۱۷/۸	۱۲/۴	
۲. روابط خارجی	۹۱	۶۷	۵۶	۸۹	۳۰۳
تعداد	۹۱	۶۷	۵۶	۸۹	۳۰۳
درصد سطری	۳۰	۲۲/۱	۱۸/۵	۲۹/۴	۱۳/۲
درصد ستونی	۱۷/۹	۹/۵	۱۱/۷	۱۴/۵	
۳. امور داخلی - سیاسی	۲۷	۱۰۲	۳۸	۱۱۱	۲۷۸
تعداد	۲۷	۱۰۲	۳۸	۱۱۱	۲۷۸
درصد سطری	۹/۷	۳۶/۷	۱۳/۷	۳۹/۹	۱۲/۱
درصد ستونی	۵/۳	۱۴/۵	۸	۱۸/۱	
۴. اقتصادی، تجاری، بازرگانی	۴۸	۱۰۱	۹۲	۸۴	۳۲۵
تعداد	۴۸	۱۰۱	۹۲	۸۴	۳۲۵
درصد سطری	۱۴/۸	۳۱/۱	۲۸/۳	۲۵/۸	۱۴/۱
درصد ستونی	۹/۴	۱۴/۳	۱۹/۳	۱۳/۷	
۵. علوم پزشکی، بهداشت	۴	۱۸	۱۶	۱۳	۵۱
تعداد	۴	۱۸	۱۶	۱۳	۵۱
درصد سطری	۷/۸	۳۵/۳	۳۱/۴	۲۵/۵	۲/۲
درصد ستونی	۰/۸	۲/۶	۳/۴	۲/۱	
۶. امور آموزشی	۲۳	۶۱	۴۲	۳۷	۱۶۳
تعداد	۲۳	۶۱	۴۲	۳۷	۱۶۳
درصد سطری	۱۴/۱	۳۷/۴	۲۵/۸	۲۲/۷	۷/۱
درصد ستونی	۲/۵	۸/۷	۸/۸	۶	
۷. حوادث، اتفاقات	۳۰	۱۶	۳۳	۴۴	۱۲۳
تعداد	۳۰	۱۶	۳۳	۴۴	۱۲۳
درصد سطری	۲۴/۴	۱۳	۲۶/۸	۳۵/۸	۵/۳
درصد ستونی	۵/۹	۲/۳	۶/۹	۷/۲	
۸. امور قضایی، جرم‌ها	۲۳	۱۷	۱۸	۴۰	۹۸
تعداد	۲۳	۱۷	۱۸	۴۰	۹۸
درصد سطری	۲۳/۵	۱۷/۳	۱۸/۴	۴۰/۸	۴/۳
درصد ستونی	۲/۵	۲/۴	۳/۸	۶/۵	
۹. انرژی، محیط زیست	۰	۵	۱	۷	۱۳
تعداد	۰	۵	۱	۷	۱۳
درصد سطری	۰	۳۸/۵	۷/۷	۵۳/۸	۰/۶
درصد ستونی	۰	۰/۷	۰/۲	۱/۱	
۱۰. حقوق بشر	۲	۰	۱	۰	۳
تعداد	۲	۰	۱	۰	۳
درصد سطری	۶۶/۷	۰	۳۳/۳	۰	۰/۱
درصد ستونی	۰/۴	۰	۰/۲	۰	
۱۱. ورزشی	۵	۳	۱۹	۱۱	۳۸
تعداد	۵	۳	۱۹	۱۱	۳۸
درصد سطری	۱۳/۲	۷/۹	۵۰	۲۸/۹	۱/۷
درصد ستونی	۱	۰/۴	۲	۱/۸	
۱۲. هنر، فرهنگ، سرگرمی	۹	۸	۲۵	۱۸	۶۰
تعداد	۹	۸	۲۵	۱۸	۶۰
درصد سطری	۱۵	۱۳/۳	۴۱/۷	۳۰	۲/۶
درصد ستونی	۱/۸	۱/۱	۵/۲	۲/۹	
۱۳. تفریح	۷۰	۲۶	۱۱	۱۸	۱۲۵
تعداد	۷۰	۲۶	۱۱	۱۸	۱۲۵
درصد سطری	۵۶	۲۰/۸	۸/۸	۱۴/۴	۵/۴
درصد ستونی	۱۳/۸	۳/۷	۲/۳	۲/۹	
۱۴. امور مذهبی	۶۰	۲۶	۹	۹	۱۲۴
تعداد	۶۰	۲۶	۹	۹	۱۲۴
درصد سطری	۲۸/۴	۳۷/۱	۷/۳	۷/۳	۵/۴
درصد ستونی	۱۱/۸	۶/۵	۱/۹	۱/۵	
۱۵. سایر	۲۲	۵۲	۳۱	۵۵	۱۶۰
تعداد	۲۲	۵۲	۳۱	۵۵	۱۶۰
درصد سطری	۱۳/۸	۳۲/۵	۱۹/۴	۳۴/۲	۷
درصد ستونی	۲/۳	۷/۴	۶/۵	۹	
جمع	۵۰۸	۷۰۵	۴۷۷	۶۱۲	۲۳۰۲
	۲۲/۱	۳۰/۶	۲۰/۷	۲۶/۶	۱۰۰

X² = ۳۸۳/۷۹

df = ۴۹

p < ۰/۰۰۱

دیگر باید مراقب سوءاستفاده دشمنان، حتی از یک کلمه یا جمله یا تیتیر روزنامه باشند، مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم را انعکاس دهند و آنها را تجزیه و تحلیل نمایند، مصالح و منافع ملی را که اینک تعریف و شکل تازه‌ای پیدا کرده بود در نظر بگیرند و در عین حال از هنر و فن روزنامه‌نگاری و دانش و بینش وسیع برای ایفای وظیفه خطیر مطبوعاتی خود در راه تحقق این اهداف و ارائه تیرها و مطالب جذاب و مؤثر بهره جویند و این، طبعاً یکی از سخت‌ترین دوره‌های روزنامه‌نگاری را رقم می‌زند.

در این دوره، میزان استفاده از تیرها و مطالب خارجی در صفحه اول بسیار ناچیز است. حساسیت، دقت و بحث و تبادل نظر برای انتخاب و نگارش و پردازش تیرهای صفحه اول نسبت به سه مقطع دیگر، در اوج قرار دارد، تیرهای صفحه اول در مجموع طولانی‌تر (زیرا باید مفاهیم مختلفی را با هم تلفیق و در قالب تیتیر عرضه کنند) و شخصیت‌گراترند، از صفات ارزشی بیشتری در تیرها استفاده شده، زیرا تبلیغات جنگ، چنین اقتضا می‌کند، همچنین تیرهای مزبور، موضوع‌گراترند، ارزش «شهرت» و «برخورد» را بیشتر می‌توان در آنها یافت، از اخبار و تیرهای «توسعه» کمتر در صفحه اول نشانی هست - زیرا دوران جنگ و تخریب است - و چهره صفحه اول به‌طور کلی چهره‌ای خشن، پرکشش و کم‌تنوع (به لحاظ نوع اخبار) است. بسیاری از ویژگیهای علمی و حرفه‌ای تیتیرنی، علی‌رغم آنکه شناخته شده‌اند، اما قابل استفاده نیستند.

به‌طور کلی، فرهنگ، روزنامه‌نگاری خاصی در این دوره حاکم است که پرداختن به جزئیات آن، مطالعه‌ای جداگانه را می‌طلبد. این فرهنگ، «شکل» و «محتوای» تیرهای صفحه اول را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دوره ۱۳۷۲:

سال ۷۲ را می‌توان سال بازگشت به نوعی آرامش و ثبات در فعالیت‌های مطبوعاتی به تبع وضعیت عمومی کشور و نیز دوران بازگشت نسبی به اصول و معیارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در مقایسه با مقطع ۶۲ دانست. در این دهه (دهه ۷۲-۶۲) نیز مطبوعات، رویدادها و تحولات مهمی را شاهد بودند که با پشت سرگذاوردن آنها، قدم به سال ۷۲ گذاشتند. مهمترین این رویدادها چه در صحنه عمومی

■ فرآیند «دروازه‌بانی» که در مورد کلیه مطالب روزنامه به نوعی اعمال می‌شود در مورد صفحه اول، روندی پیچیده‌تر و دقیق‌تر را طی می‌کند.

■ روزنامه‌نگاری، تا اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰، تقریباً بطور کامل (صرف‌نظر از برخی استثناها) به سبک و شیوه روزنامه‌نگاری ذوقی و تجربی نزدیک بود و از اصول علمی روزنامه‌نگاری تا قبل از این دوران کمتر می‌توان نشان گرفت.

■ ترکیب نیروهای تحریری دو روزنامه کیهان و اطلاعات در سال ۱۳۵۲ تا حدودی تغییر کرد، عده‌ای از جوانان آموزش دیده که گروهی از آنان دوره کارشناسی روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند به تحریریه این دو روزنامه، به‌خصوص کیهان، راه یافتند و با ورود خود تحولاتی را ایجاد کردند.

کشور و چه در محدوده فعالیت‌های مطبوعاتی که به ویژه از سال ۶۷ به بعد قابل ذکرند و بر فضای روزنامه‌نگاری نیز تأثیر داشتند عبارتند از: اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران در تابستان ۶۷ و پایان یافتن ۸ سال جنگ ایران و عراق که در تمام این سالها ثقل آن بر مطبوعات سایه افکنده بود، پیامدهای بعدی پذیرش قطعنامه، طرح ضرورت اجرای بندهای مختلف آن، آغاز دوران جدیدی از اقدامات و فعالیت‌های عمرانی و توسعه‌ای که با بسیج عمومی برای بازسازی ویرانی‌های جنگ از نیمه دوم سال ۶۷ صورت گرفت، تدوین و اجرای نخستین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی جمهوری اسلامی از سال ۶۸، ارتحال امام خمینی (ره) در ۱۳ خرداد ۶۸ و تعیین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید انقلاب توسط مجلس خبرگان، بازگشت نخستین گروه اسیران جنگ ایران و عراق در مرداد ماه ۶۹ از جمله رویدادهای مهم و در عین حال فشرده‌ای بودند که طی کمتر از یک‌سال در کشور رخ دادند و مطبوعات می‌بایست نقش حساس و سنگین خود را ایفا می‌کردند.

همچنین از اوایل سال ۶۹ تحت تأثیر سیاست‌های جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه گسترش کمی و کیفی مطبوعات، دور جدیدی از فعالیت‌های مطبوعاتی آغاز شد و تعداد نشریات مختلف به سرعت فزونی گرفت، آزادی‌های بیشتری به مطبوعات داده شد، با عوامل تهدیدکننده آزادی مطبوعات و معترضان به مؤسسات مطبوعاتی توسط وزارت ارشاد برخورد و حرکت آنان تقبیح شد، برای نخستین بار هیأت منصفه مطبوعات که در قانون مطبوعات مصوب سال ۶۴ پیش‌بینی شده بود به همت وزارت ارشاد انتخاب و تشکیل شد و با حضور در چند دادگاه رسیدگی به جرایم مطبوعاتی که تا سال ۷۲ برگزار شد کارنامه قابل قبولی از خود به یادگار گذاشت و به عنوان یک نهاد پاسدار آزادی و حرمت مطبوعات شناخته شد. تشکیل نخستین سمینار بررسی مسایل مطبوعات در اسفندماه ۶۹ گام مهمی در جهت آسیب‌شناسی فعالیت‌های مطبوعاتی و شناخت معضلات و کاستی گوناگون مطبوعات بود. اعلام برگزاری نخستین جشنواره سراسری مطبوعات در اردیبهشت ۷۳ برای شناخت و معرفی بهترین‌های سال ۷۲ مطبوعات از دیگر

رویدادهای قابل ذکر است. به‌طور کلی می‌توان گفت که توجه بیشتر به اصول و معیارهای حرفه‌ای و علمی روزنامه‌نگاری، کوتاه‌تر شدن نسبی تیتراهای صفحه اول، کمرنگ‌تر شدن شخصیت‌گرایی در تیتراهای این صفحه، اولویت دادن به برنامه‌های بازسازی و عمرانی و در نتیجه افزایش حجم اخبار توسعه و نیز موضوع‌گرایی و تنوع خبری در تیتراهای صفحه اول از جمله تغییرات قابل ذکر نسبت به دوره قبل است.

برخی ویژگی‌های حرفه‌ای و تخصصی روزنامه‌نگاری در چهار دوره مورد بررسی

وضعیت عمومی مطبوعات را نمی‌توان و جدول شماره ۲

تعداد و درصد فراوانی مطالب دو روزنامه پس از ادغام و مقابله آنها از حیث ارزش‌های خبری در چهار مقطع

موضوع	۱۳۴۲	۱۳۵۲	۱۳۶۲	۱۳۷۲	جمع
۱. برخورد تعداد	۱۲۴	۹۸	۱۸۴	۱۲۶	۵۳۲
درصد سطر	۲۳/۳	۱۸/۲	۳۴/۶	۲۳/۷	۲۳/۱
درصد ستونی	۲۰/۳	۲۰/۵	۲۶/۱	۲۴/۸	
۲. شهرت تعداد	۱۱۰	۷۷	۱۲۸	۸۸	۴۰۳
درصد سطر	۲۷/۳	۱۹/۱	۳۱/۸	۲۱/۸	۱۷/۵
درصد ستونی	۱۸	۱۶/۱	۱۸/۲	۱۷/۳	
۳. عجیب و استثنایی تعداد	۳۹	۳۰	۱۴	۲۲	۱۰۵
درصد سطر	۳۷/۱	۲۸/۶	۱۳/۳	۲۱	۴/۶
درصد ستونی	۶/۴	۶/۳	۲	۲/۳	
۴. برخورد + دورگیری تعداد	۱۶۳	۱۷۰	۱۹۰	۱۶۱	۶۸۴
درصد سطر	۲۳/۸	۲۴/۹	۲۷/۸	۲۳/۵	۲۹/۷
درصد ستونی	۲۶/۶	۳۵/۶	۲۷	۳۱/۷	
۵. برخورد + دورگیری + عجیب و دورگیری تعداد	۱۱	۳	۳	۸	۲۵
درصد سطر	۴۴	۱۲	۱۲	۳۲	۱/۱
درصد ستونی	۱/۸	۰/۶	۰/۴	۱/۶	
۶. شهرت + دورگیری تعداد	۱۶	۴	۱۸	۱۵	۵۳
درصد سطر	۳۰/۲	۷/۵	۲۴	۲۸/۳	۲/۳
درصد ستونی	۲/۶	۰/۸	۲/۶	۳	
۷. برخورد + شهرت تعداد	۳۲	۲۵	۲۸	۲۴	۱۰۹
درصد سطر	۲۹/۴	۲۲/۹	۲۵/۷	۲۲	۴/۷
درصد ستونی	۵/۲	۵/۲	۴	۴/۷	
۸. برخورد + شهرت + عجیب و شهرت تعداد	۱۴	۳	۰	۰	۱۷
درصد سطر	۸۲/۴	۱۷/۶	۰	۰	۰/۷
درصد ستونی	۲/۳	۰/۶	۰	۰	
۹. هیچکدام تعداد	۱۰۳	۶۷	۱۴۰	۶۴	۳۷۴
درصد سطر	۲۷/۵	۱۷/۹	۳۷/۴	۱۷/۱	۱۶/۲
درصد ستونی	۱۶/۸	۱۴	۱۹/۹	۱۲/۶	
جمع	۶۱۲	۴۷۷	۷۰۵	۵۰۸	۲۳۰۲
	۲۶/۶	۲۰/۷	۳۰/۶	۲۲/۱	۱۰۰

$\chi^2 = 90/81$ $df = 24$ $p < 0/0001$

* در این جدول خانه شماره ۶ در خانه شماره ۵ ادغام شده است.

نباید تنها از زاویه تأثیرپذیری آنها از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور بررسی کرد. گرچه در غالب موارد، این شرایط تأثیری تعیین‌کننده و اساسی دارند اما ترکیب و ساختار نیروی انسانی مطبوعات، میزان شناخت و آگاهی آنها از مسؤلیت‌های حرفه‌ای و اخلاقی، تخصص، دانش و بسینش دست‌اندرکاران مطبوعات و تسلط آنها بر تکنیک و فنون علمی و کارآمد روزنامه‌نگاری نیز از جمله عوامل دخیل در سطح کیفی مطبوعات است.

روزنامه‌نگاری، تا اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰، تقریباً بطور کامل (صرف‌نظر از برخی استثناها) به سبک و اسلوب روزنامه‌نگاری ذوقی و تجربی نزدیک بود و از اصول علمی

■ در دوره سال ۶۲

موضوع‌گرایی، شخصیت‌گرایی، استفاده از صفات دارای بار ارزشی و طرح مسایل آرمانی و توجه به جامعیت، محتوا و پیام درونی در تیتراهای صفحه اول بیشتر می‌شود.

■ تیتراهای صفحه اول دوره سال ۶۲، حالت خنثی و بی‌طرفی دوره سال ۵۲ را ندارند و جهت‌گیری (مثبت یا منفی) در بیشتر آنها مشهود است.

■ در دوره سال ۷۲، استفاده از صفات ارزشی در تیتراها کمتر می‌شود و تنوع خبری در صفحه اول به عنوان یک اصل در نظر گرفته می‌شود، جذابیت تیتراها، تنظیم و نگارش تیترا مطالب و خلاصه‌نویسی نیز تا حدودی مورد توجه قرار می‌گیرد.

روزنامه‌نگاری تا قبل از این دوران کمتر می‌توان نشان گرفت. از همین رو تکنیک روزنامه‌نگاری و به‌ویژه تیترزنی در صفحه اول را در این سال نسبتاً ضعیف و پرانتقاد می‌بینیم. بازی کردن با حروف، استفاده از تیتروهای «چکشی» که نقل خود را بر یک، دو یا سه کلمه می‌گذارند و آن را به شکل کوبنده‌ای به چشم مخاطب می‌نشانند، طولانی‌بودن تیترها متناها با حروف ریز و درشت و گاه ناقص و نارسا بودن آنها از جمله ضعف‌های قابل ذکر است.

در سال ۵۲ ترکیب نیروهای تحریری دو روزنامه تا حدودی تغییر می‌کند و عده‌ای از جوانان آموزش دیده که گروهی از آنان دوره کارشناسی روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند به تحریریه این دو روزنامه به‌خصوص کیهان راه می‌یابند و تحولانی را با خود به درون آنها می‌برند. دانشکده علوم ارتباطات که نخستین دوره آموزش منظم روزنامه‌نگاری را در سطح لیسانس دایر کرده از سال ۴۶ شروع به فعالیت می‌کند و از سال ۵۰ فارغ‌التحصیلان آن جذب روزنامه‌های بزرگ می‌شوند. به همین دلیل تخصص‌گرایی در فعالیت‌های مطبوعاتی بیشتر به چشم می‌خورد. شکل کلی روزنامه‌ها و بالطبع صفحه اول آنها حرفه‌ای‌تر و جذاب‌تر می‌شود و روزنامه کیهان به دلیل استفاده بیشتر از این نیروها بر رقیب خود پیشی می‌گیرد. در این دوره صفحه اول دو روزنامه «رویدادگرا» می‌شود و چهره خبری‌تری به خود می‌گیرد و ظاهراً به نیازهای آتی مخاطب توجه بیشتری نشان داده می‌شود و به اخبار فرآیندگرا توجه کمتری می‌پذیرد.

در سال ۶۲ مجدداً روحیه تخصص‌گرایی و حرفه‌ای‌گرایی در مطبوعات تا حدودی کم‌رنگ می‌شود. چه، عده‌ای از نیروهای شاغل در مطبوعات به دنبال تحولات درونی مطبوعات تحت تأثیر رویدادهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از تحریریه دو روزنامه رفته‌اند و عده‌ای از جوانان انقلابی و پرشور جای آنها را گرفته‌اند. رشته مستقل روزنامه‌نگاری نیز بدنبال انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها منحل شده، و به‌طور کلی توجه کمتری به ضرورت تخصص و آموزش روزنامه‌نگاری در این دوره به چشم می‌خورد، اما این دوره در عین حال دوره تجربه‌های تازه روزنامه‌نگاری عصر انقلاب و جنگ نیز هست و ضرورت‌ها و اقتضاهای خاصی بر فعالیت‌های مطبوعاتی

حاکم می‌شود. تحت تأثیر این رویدادها، موضوع‌گرایی، شخصیت‌گرایی، استفاده از صفات دارای بار ارزشی و طرح مسایل آرمانی و توجه به جامعیت، محتوا و پیام درونی در تیترهای صفحه اول بیشتر می‌شود و توجه به فرم و ترکیب آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تیترها، حالت خشنی و بی‌طرف سال ۵۲ را ندارند و جهت‌گیری (مثبت یا منفی) در بیشتر آنها مشهود است. همچنین تنوع خبری در صفحات اول محدود می‌شود.

در سال ۷۲ بار دیگر توجه به آموزش و تخصص روزنامه‌نگاری به‌طور کلی و در سطح کشور نسبت به سال ۶۲ افزایش می‌یابد، رشته روزنامه‌نگاری در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی استقلال خود را باز می‌یابد، دوره تحصیلات تکمیلی این رشته نیز از سال ۶۹ دایر می‌شود. در این دوره نسبت به کوتاه‌شدن تیترهای صفحه اول، کم‌رنگ‌تر شدن شخصیت‌گرایی و استفاده کمتر از نقل قول مستقیم در تیترهای این صفحه، توجه بیشتری می‌پذیرد. فرآیندگرایی و توجه به اخبار توسعه در کنار تأمین نیازهای خبری مخاطب جای خاصی می‌یابد، استفاده از صفات ارزشی در تیترها کمتر می‌شود و تنوع خبری در صفحه اول به عنوان یک اصل در نظر گرفته می‌شود، جذابیت تیترها، تنظیم و نگارش تیتر مطالب و خلاصه‌نویسی نیز تا حدودی مورد توجه قرار می‌گیرد. گرچه در این سال نیز تعداد کسانی که آموزش روزنامه‌نگاری در سطح دانشگاهی دیده‌اند در تحریریه دو روزنامه زیاد نیست ولی تأسیس دوره‌های مختلف آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری در مرکز آموزش رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز در مؤسسات مطبوعاتی مزبور این امکان را فراهم آورده که نیروهای تحریری دست‌کم با اصول و مفاهیم علمی روزنامه‌نگاری تا حدودی آشنا بشوند، اما هنوز هم ضعف تخصصی و آموزشی، در سطوح مختلف در روزنامه‌های مزبور مشهود است و نیاز به تعمیق دانش عمومی و نیز دانش تخصصی روزنامه‌نگاری به‌شدت احساس می‌شود.

نتایج تحلیل محتوای تیترهای صفحه اول

بررسی نتایج تحلیل محتوای تیترهای صفحه اول، نکات جالب و بدیعی را به نمایش

■ علی‌رغم آنکه ممکن است به‌نظر برسد روزنامه‌های مورد بررسی در دوره‌های بعد از انقلاب بیشتر به انعکاس مطالب مربوط به «امور داخلی - سیاسی» پرداخته‌اند، واقعیات آماری، چنین نیست: سال ۴۲ با سهم ۴۰ درصدی در صدر جدول قرار دارد و سال ۶۲ با ۳۶/۷ درصد در رده بعدی قرار می‌گیرد.

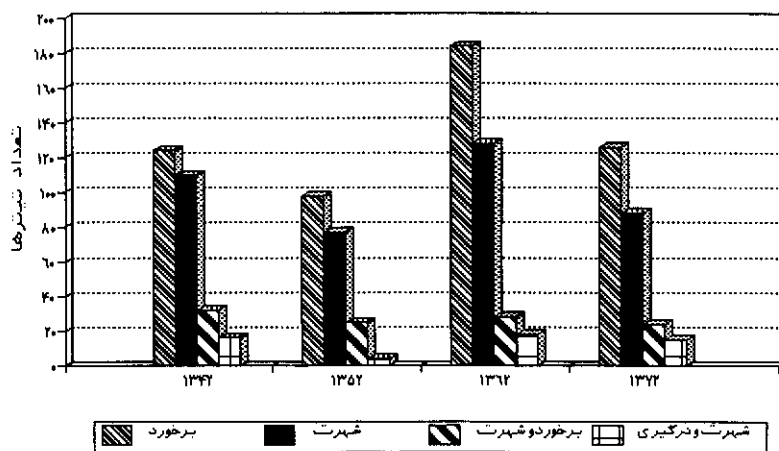
می‌گذارد که بسیاری از آنها با ذهنیت‌ها و تصورات قبلی، تفاوت بارزی دارد. ذهنیت‌هایی که داوری‌های نادرستی را هم تاکنون شکل داده است. اکنون برخی از دستاوردهای تحقیق را مرور می‌کنیم.

در زمینه «امور نظامی، جنگ و خشونت‌های سیاسی»، سال ۱۳۶۲ با اختصاص دادن ۴۲ درصد تیترها و مطالب صفحه اول به خود، در صدر است و سال ۴۲ در پایین‌ترین رده روی هم رفته، ۶۳ درصد تیترهای مربوط به امور نظامی مربوط به دو دوره بعد از انقلاب و ۳۷ درصد بقیه مربوط به قبل از انقلاب است. این امر با توجه به جریان داشتن جنگ ایران و عراق در سال ۶۲، طبیعی می‌نماید. در هیچ‌یک از سه دوره دیگر، کشور ما، در جنگ با کشور همسایه یا هیچ کشور خارجی درگیر نبوده است. علاوه بر جنگ ایران و عراق، وجود تهدیدهای داخلی و خارجی علیه انقلاب نیز در افزایش سهم این موضوع در سال ۶۲ نقش داشته است. بنابراین سال ۶۲ را از این نظر نمی‌توان به عنوان یک مقطع عادی در نظر گرفت و باید ویژگی‌های منحصر به فرد آن نیز مورد توجه قرار گیرد.

اما در زمینه «امور داخلی - سیاسی»، علی‌رغم آنکه ممکن است به‌نظر برسد روزنامه‌های مورد بررسی در دوره‌های بعد از انقلاب، بیشتر به انعکاس مطالب مربوط به «امور داخلی - سیاسی» پرداخته‌اند، واقعیات آماری، چنین حکم نمی‌کنند.

گرچه وضعیت سال‌های ۴۲ و ۶۲ از این نظر بسیار نزدیک به هم است ولی باز هم سال ۴۲ از نظر استفاده از تیترهای مربوط به امور

مقایسه مقاطع چهارگانه از نظر ارزشهای خبری



سال ۵۲ مبنی بر حجم اقدامات وسیع توسعه‌ای و فتح دروازه‌های تمدن بزرگ داده می‌شد و انتظارات و تلقی‌هایی که به وجود آورده بود، آمار نشان دهنده کمترین میزان استفاده از اخبار توسعه در صفحات اول روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در سال ۵۲ است. این امر خود می‌تواند مبین دو نکته باشد:

الف: حجم ناچیز اقدامات عمرانی و توسعه‌ای در عمل و در واقعیت.

ب: کم‌توجهی مطبوعات به انعکاس این نوع اخبار و عدم اشراف کافی بر نقش و مسؤلیت خود.

به‌رحال کمتر از ۹ درصد کل اخبار توسعه را در صفحات اول سال ۵۲ می‌بینیم و این میزان حتی از سال ۶۲ (۲۱ درصد) که سال جنگ و تخریب بود نه سازندگی و توسعه، کمتر است. بر روی هم سال ۷۲ با اختصاص دادن ۵۶ درصد کل اخبار توسعه به خود در میان چهار مقطع وضعیت برجسته‌تری دارد. بدین ترتیب می‌بینیم که ۷۷ درصد کل اخبار توسعه دو روزنامه در چهار دوره، مربوط به سالهای ۶۲ و ۷۲ و ۲۳ درصد بقیه متعلق به سالهای ۴۲ و ۵۲ است. گرچه کیفیت انعکاس اخبار توسعه، بستن راه‌های سوءاستفاده از این نوع اخبار و نحوه جلب مشارکت عمومی توسط این قبیل مطالب نیز خود موضوع قابل مطالعه‌ای است و گرچه بسیاری از اخبار توسعه، در صورتی تبدیل به خبر مهم و قابل درج در صفحه اول می‌شوند که یکی از مقام‌های برجسته کشور در افتتاح، راه‌اندازی یا آغاز اجرای آنها حضور داشته باشند یا در حین اجرا از آن بازدید کنند ولی به‌رحال نمی‌توان فراموش کرد که یکی از مسؤلیت‌های مهم مطبوعات کشورهای جهان سوم پرداختن به این نوع اخبار، منتها با شیوه‌ها و تدابیر خاص است تا هم ارائه این نوع اخبار جنبه تبلیغاتی پیدا نکند و موجب بی‌اعتمادی مخاطب نشود و هم به ایجاد روحیه اعتماد به نفس، امیدواری و مشارکت جوی کمک کند.

۱. وضعیت استفاده از «اخبار مذهبی» در دو روزنامه با شرایط سیاسی و اجتماعی دوره‌های مورد بررسی، همخوانی دارد. به‌طور کلی ۱۴/۵ درصد اخبار مذهبی صفحه اول متعلق به قبل از انقلاب و بقیه مربوط به بعد از انقلاب است. در عین حال برخلاف آنچه ممکن است تصور شود دو روزنامه در استفاده

نیاز کمتری به رخ کشیدن حضور بیشتر خویش به ویژه در عرصه وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات می‌بینند. مقاطع ۵۲ و ۷۲ در بررسی ما نسبت به دو مقطع دیگر چنین وضعیتی دارد. رژیم شاه در سال ۵۲ وضعیت با ثبات‌تری را نسبت به سال ۴۲ برای خود احساس می‌کرده و رژیم انقلاب نیز در سال ۷۲ در قیاس با سال ۶۲ از چنین وضعیتی برخوردار بوده است. جالب است بدانیم که سال ۷۲ کمترین میزان استفاده از اخبار و تیترهای مرتبط با امور داخلی - سیاسی را در صفحه اول دو روزنامه داشته‌ایم (حتی در مقایسه با سال ۵۲) به بیان دیگر می‌توان گفت که حجم بالای تیترها و مطالب مربوط به امور داخلی - سیاسی در صفحه اول بیانگر حداقل دو موضوع مهم است:

الف: نزدیکی روزنامه‌ها به دولت و وابسته‌بودن آنها به دستگاه بوروکراسی یا تحت‌نظارت و فشار دیوانسالاری دولتی فعالیت کردن، و در مقاطع خاصی همچون سال ۶۲ احساس ضرورت به‌خاطر شرایط منحصر به فرد سیاسی و اجتماعی، و حفظ مصالح و منافع ملی.

ب: وجود بحران، جو عدم اعتماد یا تهدیدهای داخلی و خارجی و گاه احساس خطر نسبی حکومت و نیز احساس نیاز آن برای اعلام حضور هرچه بیشتر در ذهن جامعه و نشان دادن قدرت اداره و کنترل امور. در زمینه اخبار توسعه وضعیت موجود، قابل تعمق است. برخلاف شعارهایی که در

داخلی در صفحه اول، با سهم ۴۰ درصدی، صدر جدول را به خود اختصاص داده و پس از آن سال ۶۲ با ۳۶/۷ درصد از تیترها و مطالب مرتبط با امور داخلی سیاسی قرار دارد. البته وضعیت این دو سال در بین چهار مقطع نیز با دو مقطع دیگر تا حدودی تفاوت دارد. در مورد سال ۶۲ نیازی به توضیح نیست. ادامه جنگ ایران و عراق، ناپا بودن انقلاب و ضرورت حضور رهبران آن برای طرح و بیان ارزش‌ها و آرمان‌ها و کمک به تثبیت و مصون‌سازی آن، تهدیدهای رنگارنگ داخلی و خارجی علیه انقلاب از جمله دلایل پررنگ‌بودن این موضوع در صفحه اول است که تا حدود زیادی نیز طبیعی می‌نماید. اما در سال ۴۲ نیز وقوع دو حادثه مهم یعنی حمله دوم فروردین کماندوهای رژیم به مدرسه فیضیه و قیام ۱۵ خرداد و پیامدهای آن می‌تواند دلیل غلبه عنصر «امور داخلی - سیاسی» در صفحه اول باشد. چه، احساس خطر رژیم، استفاده روزنامه‌ها از منابع بالای دولتی برای اعلام خبرهای مربوط به حادثه ۱۵ خرداد و نیاز رژیم شاه به اعلام حضور هر چه بیشتر برای چنگ و دندان نشان دادن به مخالفان داخلی و پر قدرت نشان دادن خود نزد آمریکا یعنی اصلی‌ترین حامی رژیم می‌تواند از جمله دلایل حضور پررنگ این عامل در صفحه اول باشد. نتایج مزبور در عین حال بیانگر این واقعیت‌اند که به میزانی که نظام‌های حکومتی، خود را تثبیت شده و قدرت خویش را مستحکم می‌بینند و احساس امنیت و آرامش و آسودگی بیشتری می‌کنند،

از اخبار و مطالب مذهبی در صفحه اول خود راه افراط نرفته‌اند. تنها ۶/۵ درصد از تیترهای سال ۶۲ و ۱۱/۸ درصد از تیترهای سال ۷۲ در صفحات اول دو روزنامه به «امور مذهبی» اختصاص دارد و این سهم بالایی نیست.

از نظر مقایسه دو روزنامه در زمینه اخبار توسعه، امورداخلی - سیاسی و امور مذهبی ذکر چند نکته، خالی از لطف نیست: در سال ۶۲ روزنامه کیهان دو برابر اطلاعات در صفحه اول خود تیترهای مربوط به اخبار توسعه داشته و اطلاعات ۲/۵ برابر کیهان تیترهای مربوط به امور مذهبی. در همین حال ۸۱ درصد تیترهای «حوادث و اتفاقات» متعلق به کیهان بوده و ۱۹ درصد بقیه متعلق به اطلاعات بوده است. در حالی که در سال ۷۲ میزان تیترهای «توسعه» در صفحه اول اطلاعات ۲/۵ برابر آنها در کیهان بوده است. البته گفتنی است که در سال ۷۲، با توجه به فراغت مسئولان از امور جنگ، میزان حضورشان در افتتاح و راه‌اندازی طرح‌های توسعه بیشتر بوده است.

در سال ۷۲، اطلاعات ۴/۵ برابر کیهان از تیترهای مربوط به «امورداخلی - سیاسی» استفاده کرده و در زمینه حوادث و اتفاقات، کیهان ۳ برابر اطلاعات، تیتر و مطلب داشته است. این امر نشان دهنده آن است که در این دو مقطع کیهان تلاش داشته است که در صفحه اول خود، در عین حال وجه «خبری» خود را حفظ کند. میزان استفاده از تیترهای ورزشی، هنری و فرهنگی در صفحات اول بعد از انقلاب، کاهش چشمگیری یافته و این نشان دهنده تمایل روزنامه‌ها به استفاده بیشتر از اخبار و مطالب جدی در زمینه‌های سیاسی - اجتماعی است. با این وجود عدم توجه به مسائل ورزشی، هنری و فرهنگی یکی از ضعف‌های عمده مطبوعات بزرگ کشور محسوب می‌شود. در حالی که بیش از یک سوم جمعیت ما را جوانان تشکیل می‌دهند، عدم توجه به خواست‌ها و گرایش‌های آنها می‌تواند گامی در جهت دورکردن آنها از مطبوعات و سوق دادن آنان به سوی مظاهر فرهنگ بیگانه باشد البته در پرداختن به این نوع موضوعات باید مراقب بود که توجه بیش از حد به اخبار و مطالب مزبور نیز می‌تواند ساده‌پسندی و سطحی‌نگری را ترویج کرده و نوعی «غفلت» از امور جدی را سبب شود، بنابراین رعایت تناسب و توازن در این زمینه، ضروری است.

جدول شماره ۳

تعداد و درصد فراوانی مجموع مطالب در روزنامه از نظر نوع تیتر و مقایسه آنها در چهار مقطع

موضوع	۱۳۴۲	۱۳۵۲	۱۳۶۲	۱۳۷۲	جمع
۱. رویداد مدار	۵۰۸	۴۵۰	۵۶۳	۳۹۰	۱۹۱۱
تعداد	۲۶/۶	۲۳/۵	۲۹/۵	۲۰/۴	۸۳
درصد سطری	۸۳	۹۴/۳	۷۹/۹	۷۶/۸	
درصد ستونی					
۲. فرایند مدار	۸۵	۱۷	۱۳۱	۱۱۸	۳۵۱
تعداد	۲۴/۲	۴/۸	۳۷/۳	۳۳/۶	۱۵/۲
درصد سطری	۱۳/۹	۳/۶	۱۸/۶	۲۳/۲	
درصد ستونی					
۳. هیچکدام	۱۹	۱۰	۱۱	۰	۴۰
تعداد	۴۷/۵	۲۵	۲۷/۵	۰	۱/۷
درصد سطری	۳/۱	۲/۱	۱/۶	۰	
درصد ستونی					
جمع	۶۱۲	۴۷۷	۷۰۵	۵۰۸	۲۳۰۲
	۲۶/۶	۲۰/۷	۳۰/۶	۲۲/۱	۱۰۰

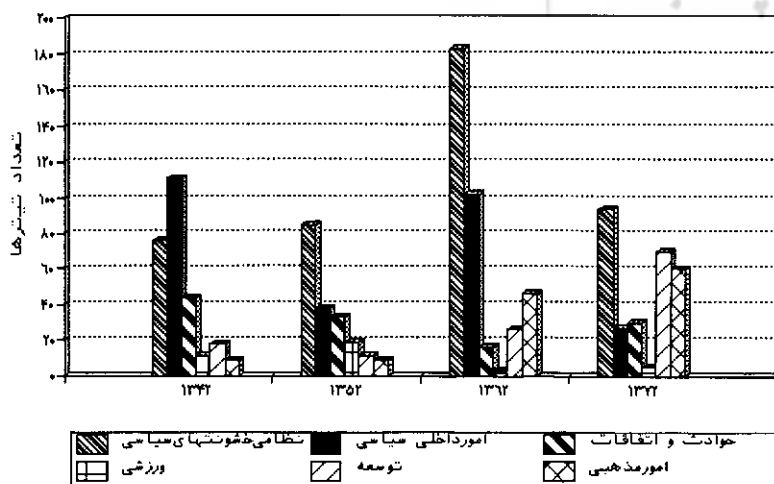
$\chi^2=96/30$ $df=6$ $p<0.0001$

■ در دوره سال ۷۲، تأسیس دوره‌های مختلف آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری در مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها و نیز در مؤسسه کیهان و اطلاعات این امکان را فراهم آورد که نیروهای تحریری دست‌کم با اصول و مفاهیم علمی روزنامه‌نگاری تا حدودی آشنا بشوند.

می‌زند. به همین دلیل سه ارزش مزبور، بالاترین سهم را در تیترهای صفحه اول سال ۶۲ دارند. کمترین میزان استفاده از ارزش «شهرت» و «برخورد» نیز مربوط به سال ۵۲ است که قبلاً در مورد دلایل آن توضیح داده شد - سال آرامش ظاهری، تحکیم سلطه رژیم شاه و احساس عدم نیاز مقامات و مسئولان به اعلام حضور مداوم - سهم ارزش «عجیب و استثنایی» در صفحات اول روزنامه‌های کیهان و اطلاعات قبل از انقلاب ۶۶ درصد و بعد از انقلاب ۳۴ درصد است و این گویای تمایل بیشتر روزنامه‌های قبل از انقلاب به اخبار داغ و جنجالی و جذاب برای مخاطب و به اصطلاح

۲. استفاده از ارزش خبری «برخورد» در سال ۶۲ در اوج بوده است و پس از آن ارزش‌های خبری «شهرت» و «دربریگری» در تیترهای سال ۶۲ شاخص و برجسته می‌نماید. علت، ویژگی منحصر به فرد مقطع ۶۲ است. پنج سال از انقلاب و سه سال از جنگ ایران و عراق گذشته و تیترهای مربوط به رویدادهای جبهه و پشت جبهه، تهدید دشمنان خارجی و داخلی و پاسخگویی به آنها در صفحه اول، غلبه دارند. این مسائل تقریباً تمامی آحاد مردم را در بر می‌گیرند، توسط شخصیت‌های معروف، برجسته و طراز اول انقلاب، بیان و مطرح می‌شوند و درگیری و کشمکش در آنها موج

مقایسه مقاطع چهارگانه از نظر محتوای تیترها



«مشتري جمع کن» است.

در کیهان، کمترین میزان استفاده از ارزش «شهرت» مربوط به سال ۷۲ بوده است و به این ترتیب می‌توان گفت که کیهان در مقایسه با سه مقطع دیگر در این سال از تیتريهای «شخصیت‌گرا»ی کمتری استفاده کرده و این خود حاکی از چرخش مثبتی در این روزنامه است.

در مقابل، ۷۰/۵ درصد از تیتريهای دارای

توسعه و امور مذهبی را نیز توجیه می‌کند، زیرا در غالب موارد این موضوعات با هم ارتباطی غیرقابل انکار دارند. البته بازهم در مجموع توجه در روزنامه به رویدادها بسیار بیش از فرآیندها بوده است به طوری که ۸۱ درصد تیتريهای کیهان و ۸۸/۵ درصد تیتريهای صفحه اول اطلاعات در چهار دوره، رویدادگرا بوده‌اند.

۴. روزنامه‌های مورد بررسی بر روی هم، بعد از انقلاب، بسیار «شخصیت‌گرا» تر شده‌اند،

جدول شماره ۴

تعداد و درصد فراوانی مجموع مطالب در روزنامه از نظر ویژگی تیر و مقایسه آنها در چهار مقطع

موضوع	۱۳۴۲	۱۳۵۲	۱۳۶۲	۱۳۷۲	جمع
۱. خبری	۵۱۴	۴۱۷	۴۸۴	۳۵۸	۱۷۷۳
تعداد	۲۹	۲۳/۵	۲۷/۳	۲۰/۲	۷۷
درصد سطری	۸۴	۸۷/۴	۶۸/۷	۷۰/۵	
درصد ستونی					
۲. تفسیری	۳۷	۳	۲۱	۱۷	۷۸
تعداد	۲۷/۴	۳/۸	۲۶/۹	۲۱/۸	۳/۴
درصد سطری	۶	۰/۶	۳	۳/۳	
درصد ستونی					
۳. شخصیت‌گرا	۴۳	۴۷	۱۸۲	۱۳۳	۴۰۵
تعداد	۱۰/۶	۱۱/۶	۴۴/۹	۳۲/۸	۱۷/۶
درصد سطری	۷	۹/۹	۲۵/۸	۲۶/۲	
درصد ستونی					
۴. سایر	۱	۰	۷	۰	۸
تعداد	۱۲/۵	۰	۸۷/۵	۰	۰/۳
درصد سطری	۰/۲	۰	۱	۰	
درصد ستونی					
۵. مورد ندارد (مکس)	۱۷	۱۰	۱۱	۰	۳۸
تعداد	۳۲/۷	۲۶/۳	۲۸/۹	۰	۱/۷
درصد سطری	۲/۸	۲/۱	۱/۶	۰	
درصد ستونی					
جمع	۶۱۲	۴۷۷	۷۰۵	۵۰۸	۲۳۰۲
	۲۶/۶	۲۰/۷	۳۰/۶	۲۲/۱	۱۰۰

■ سال ۷۲ با اختصاص دادن

۵۶ درصد کل اخبار توسعه

به خود، در میان چهار مقطع

وضعیت برجسته‌تری دارد.

■ وضعیت استفاده از

«اخبار مذهبی» در دو

روزنامه با شرایط سیاسی

و اجتماعی دوره‌های مورد

بررسی، همخوانی دارد.

۱۴/۵ درصد اخبار مذهبی

صفحه اول متعلق به قبل از

انقلاب و بقیه مربوط به بعد

از انقلاب است.

زیرا ۲۲ درصد از تیتريهای شخصیت‌گرا متعلق به قبل از انقلاب و ۷۸ درصد بقیه مربوط به بعد از انقلاب است. این امر با توجه به حضور رهبران انقلاب در بین مردم، دیدارها و سخنرانی‌هایی که صورت می‌گیرد و اساساً نقش رهبران به ویژه در سال‌های اول انقلاب، طبیعی به نظر می‌رسد. زیرا انقلاب به اعتبار شخصیت‌هایی که ساکن آن را در دست دارند به پیش رانده می‌شود، آنها باید مردم را در نگهداری و حراست از دستاوردهای انقلاب، هدایت و تشجیع کنند، ارزشها و آرمانها را یادآور شوند، و مردم را نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی آگاه سازند. البته نباید ناگفته گذاشت که شخصیت‌گرا بودن تیتیر به معنای فقدان سایر ارزش‌های خبری در تیتیر نیست اما در هر صورت بیانگر آن است که بیان مطلب توسط شخصیت‌های بالای نظام، به آن ارزش خبری داده است. اوج استفاده از تیتريهای شخصیت‌گرا نیز به سال ۶۲- با ۴۵ درصد

ارزش «شهرت» در سال ۷۲ متعلق به اطلاعات بوده و این برخی یافته‌های قبلی را از جمله توجه بیشتر اطلاعات به اخبار توسعه در سال ۷۲ که در غالب آنها حضور مسؤولان رده بالای کشور مشهود است تأیید می‌کند.

۳. سهم عمده تیتريهای موضوع‌گرا (فرآیندگرا) را باید متعلق به دوره‌های ۶۲ و ۷۲ دانست. این امر یکی از مهمترین تحولات روزنامه‌نگاری بعد از انقلاب است. چه ۷۱ درصد از تیتريهای موضوع‌گرا مربوط به دو مقطع آخر است که توجه روزنامه‌های مزبور را به یکی از رسالت‌های مهم مطبوعات در جهان سوم نشان می‌دهد. گرچه پرداختن به «فرآیندها» از جاذبه‌های ظاهری مطبوعات می‌کاهد و سهم اخبار داغ و جنجالی را کاهش می‌دهد ولی باید به عنوان یک چرخش مثبت از آن یاد کرد.

این امر، برخی یافته‌های دیگر از جمله افزایش شخصیت‌گرایی، توجه بیشتر به اخبار

موارد- مربوط می‌شود. به هر حال استفاده بیش از حد از تیتريهای شخصیت‌گرا- هر چند اجتناب‌ناپذیر باشد - می‌تواند به عنوان نقطه ضعف مطبوعات به حساب آید.

۵. به تبع افزایش تیتريهای شخصیت‌گرا در دوره‌های بعد از انقلاب، میزان استفاده از نقل قول - مستقیم و غیرمستقیم - نیز در این دوره فزونی چشمگیری را نشان می‌دهد. بر روی هم ۳۵/۵ درصد از تیتريهای صفحات اول روزنامه‌های مورد بررسی در دو مقطع قبل از انقلاب نقل قول مستقیم و ۲۰ درصد نیز نقل قول غیرمستقیم بوده است. این نسبت در دوره‌های بعد از انقلاب به ۶۴/۵ درصد نقل قول مستقیم و ۸۰ درصد غیرمستقیم می‌رسد. این امر بار دیگر نوع نگاه و تلقی روزنامه‌های بعد از انقلاب را نشان می‌دهد. یعنی آنها در تیتريهای مهم صفحه اول خود به ارزش «شهرت» که در شخصیت‌گرایی و نقل و قول، منعکس است متکی هستند و بطور کلی از این عامل به میزان بسیار بالایی استفاده می‌کنند.

۶. استفاده از صفات و واژه‌های دارای بار ارزشی در تیتريهای صفحه اول روزنامه‌های مورد بررسی در دوره‌های بعد از انقلاب، افزایش چشمگیری یافته است به طوری که ۶۲ درصد تیتريهای دارای صفات ارزشی، متعلق به دو مقطع بعد از انقلاب هستند. البته در مجموع ۲۷/۵ درصد کل تیتريهای صفحه اول در چهار مقطع دارای صفات ارزشی هستند و این میزان با توجه به آنچه در افواه شایع و یا مورد انتظار است، چندان بالا نیست. کمترین میزان استفاده از صفات ارزشی مربوط به سال ۵۲ یعنی سالی که روزنامه‌ها چهره خبری غالب‌تری داشته‌اند، می‌شود و بیشترین مقدار به سال ۶۲ یعنی سال چنگ و دندان نشان دادن به دشمن، تبلیغات منفی در مورد خصم، خوار و ذلیل شمردن او و تأکید بر پیروزی‌های رزمندگان خودی است. این یافته نیز با برخی یافته‌های دیگر از جمله افزایش شخصیت‌گرایی، نقل قول و ارزش شهرت توافق و همخوانی نشان می‌دهد. به طور کلی استفاده از صفات ارزشی، مطبوعات را به «تبلیغ مستقیم» سوق می‌دهد و گاه آنها را از بیان غیرمستقیم و هنرمندانه واقعیت‌ها دور می‌سازد و همین امر می‌تواند از دامنه تأثیر و نفوذ و جاذبه آنها بکاهد. یکی از عوامل افزایش صفات ارزشی در تیتريهای بعد از انقلاب را - علاوه بر دلایلی که ذکر شد- می‌توان به تأثیر

شکل و محتوای «ارتباطات سنتی» بر فضای روزنامه‌نگاری کشور نسبت داد. چه، در ارتباطات سنتی، مدح و ذم به‌وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد، داوریها مستقیم عنوان می‌شود، و افراد و رویدادها یا ملعون‌اند یا ممدوح، حق‌اند یا باطل، سیاهند یا سفید، و در توصیف و تبیین آنها نیز از صفت‌های ارزشی، بسیار استفاده می‌شود. این امر، خود موضوع قابل مطالعه‌ای است که می‌توان در تحقیقات بعدی به آن پرداخت.

۷. گرچه نسبت تیرهای دارای فعل امر در مقیاس کلی رقم قابل توجهی نیست و تنها ۲/۷ درصد از کل تیرهای چهار مقطع را تشکیل می‌دهد ولی ۸۱ درصد آن مربوط به دو دوره بعد از انقلاب و ۱۹ درصد آن متعلق به قبل از انقلاب است و این نیز نوعی تبلیغ مستقیم و شمارگونه است که به تیر، شکل دستورالعمل می‌دهد.

۸. هر دو روزنامه در صفحه اول خود بیشترین توجه را به «اخبار داخلی» نشان داده‌اند و این با توجه به حوزه انتشار دو روزنامه - در سطح ملی - طبیعی به‌نظر می‌رسد. بر روی هم ۷۵ درصد تیرهای صفحه اول دو روزنامه در چهار دوره به مطالب داخلی اختصاص دارد. از این میان سال ۶۲ به دلیل انعکاس اخبار جنگ و اظهارنظرهای پیرامون آن در صفحه اول، کمترین حد استفاده از اخبار خارجی را داشته است. در روزنامه‌های مورد بررسی سال ۶۲ تنها ۱۲ درصد تیرها به موضوعات خارجی ارتباط داشته است و در مقابل در سال ۵۲، کمتر از ۷۰ درصد تیرهای صفحه اول به مطالب داخلی تخصیص یافته است. اخبار خاورمیانه بعد از اخبار داخلی بیشترین حجم را در صفحات اول داشته است به‌طوری که ۱۰ درصد کل اخبار خارجی را تشکیل می‌دهد و پس از آن، آمریکا، اروپا و... قرار دارند. سال ۴۲، سال اوج استفاده از اخبار آمریکا در صفحه اول و سال ۶۲ سال حسیض آن بوده است. به‌طور کلی در انعکاس اخبار خارجی در صفحات اول، مجاورت معنوی نقش برجسته‌تری نسبت به مجاورت جغرافیایی داشته است.

۹. نتایج بررسی جهت‌گیری تیرهای صفحه اول روزنامه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که برخلاف داوریهای ذهنی و آنچه در افواه شایع است روزنامه‌های بعد از انقلاب، نه چهره منفی از جهان پیرامون خود ترسیم

کرده‌اند و نه آنچنان که گفته می‌شود مدح بوده‌اند بلکه در مجموع ترکیبی مناسب از تیرهای جهت‌دار و بی‌جهت را بکار گرفته‌اند. به‌طور کلی ۳۸ درصد جهت‌گیری‌های «مثبت» در صفحات اول روزنامه‌های قبل از انقلاب و ۶۲ درصد بقیه در صفحات اول روزنامه‌های بعد از انقلاب، قابل مشاهده است. حال اگر توجه کنیم که نسبت اخبار داخلی و خارجی در صفحه اول چهار روزنامه در چهار دوره مورد بررسی با نوسانی ناچیز همراه بوده است،

پاسخ گفته شود که آیا چنین ترکیبی از تیرهای مثبت، منفی و خنثی می‌تواند معرف روزنامه‌های «مدح» باشد؟

۱۰. تعداد کلمات یا حجم تیرهای صفحه اول در دو دوره بعد از انقلاب بطور متوسط به دو برابر قبل از انقلاب رسیده است. این امر با توجه به استفاده از نقل قول، موضوع‌گرایی و تیرهای شخصیت‌گرا و نیز رعایت جامعیت و مصالح سیاسی در تیرهای صفحه اول روزنامه‌های بعد از انقلاب باید مورد ارزیابی



قرار گیرد. در مجموع چهار دوره، تیرهای سال ۶۲ طولانی‌تر از سایر مقاطع بوده‌اند و در سال ۷۲ تا حدودی به رعایت اختصار در آنها توجه شده است. طولانی بودن تیر اصولاً یک نقطه ضعف در تیرهای بعد از انقلاب به‌شمار می‌رود ولی در برخی موارد با توجه به ویژگیهایی که پیش از این اشاره شد اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد.

در عین حال مقایسه دو روزنامه در مقاطع چهارگانه نشان می‌دهد که تفاوت آنها در مقاطع ۴۲ و ۶۲ معنی‌دار و در مقاطع ۵۲ و ۷۲ بی‌معنی است. علت را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد: رقابت تنگاتنگ دو روزنامه و استفاده بیشتر از فنون و موازین حرفه‌ای و علمی روزنامه‌نگاری در سال ۵۲ باعث شده بود که هر دو روزنامه از استانداردهای مشابهی بهره بگیرند. هر دو روزنامه در این سال به افرادی مأموریت داده بودند که هر روز پس از انتشار روزنامه رقیب، اخبار و تیرهای یکدیگر

نمی‌توان ادعا کرد که روزنامه‌های بعد از انقلاب، بیشتر به انعکاس تصاویر منفی از رویدادها علاقه دارند. چرا که سهم ۲۰/۵ درصدی تیرهای دارای جهت‌گیری «منفی» نمی‌تواند حاکی از این امر باشد. البته این نکته پذیرفتنی است که بعد از انقلاب، استفاده از تیرهای «خنثی» به‌شدت کاهش یافته زیرا ۶۱/۵ درصد از تیرهای خنثی متعلق به قبل از انقلابند و به علاوه ۶۹/۵ درصد از تیرهای بعد از انقلاب دارای جهت‌گیری مثبت یا منفی - و بقیه فاقد جهت‌گیری هستند. همچنین قابل ذکر است که در دوره بعد از انقلاب ۴۸ درصد تیرهای داخلی دارای جهت‌گیری مثبت هستند که این امر با توجه به افزایش استفاده از اخبار توسعه، تیرهای شخصیت‌گرا و اخبار مذهبی باید در نظر گرفته شود و رویهمرفته حدود ۵۲ درصد تیرهای داخلی جهت‌گیری منفی یا خنثی داشته‌اند، حال با توجه به این واقعیت باید به این سؤال

جدول شماره ۵

تعداد و درصد فراوانی تیترهای اول دو روزنامه و مقایسه آنها از حیث محتوا در مقاطع قبل و بعد از انقلاب

موضوع	۱۳۷۲	۱۳۵۲	جمع
۱. نظامی، دفاع، خشونت‌های سیاسی	۳۳	۵۲	۸۵
تعداد	۳۳	۵۲	۸۵
درصد سطری	۳۸/۸	۶۱/۲	۴۴/۳
درصد ستونی	۳۴/۴	۵۴/۲	
۲. روابط خارجی	۱۳	۱۶	۲۹
تعداد	۱۳	۱۶	۲۹
درصد سطری	۲۴/۸	۵۵/۲	۱۵/۱
درصد ستونی	۱۳/۵	۱۶/۷	
۳. داخلی - سیاسی	۱۶	۷	۲۳
تعداد	۱۶	۷	۲۳
درصد سطری	۶۹/۶	۳۰/۴	۱۲
درصد ستونی	۱۶/۷	۷/۳	
۴. اقتصادی، تجاری، بازرگانی	۴	۵	۹
تعداد	۴	۵	۹
درصد سطری	۴۴/۴	۵۵/۶	۲/۷
درصد ستونی	۲/۲	۵/۲	
۷. حوادث، اتفاقات	۱	۱۰	۱۱
تعداد	۱	۱۰	۱۱
درصد سطری	۹/۱	۹۰/۹	۵/۷
درصد ستونی	۱	۱۰/۴	
۱۳. توسعه	۱۱	۰	۱۱
تعداد	۱۱	۰	۱۱
درصد سطری	۱۰۰	۰	۵/۷
درصد ستونی	۱۱/۵	۰	
۱۴. مذهبی	۱۲	۰	۱۲
تعداد	۱۲	۰	۱۲
درصد سطری	۱۰۰	۰	۶/۳
درصد ستونی	۱۲/۵	۰	
۱۵. سایر	۶	۶	۱۲
تعداد	۶	۶	۱۲
درصد سطری	۵۰	۵۰	۶/۳
درصد ستونی	۶/۳	۶/۳	
جمع	۹۶	۹۶	۱۹۲
	۵۰	۵۰	۱۰۰

$\chi^2 = 38/55$ $df = 7$ $p < 0/001$
توضیح: ستون مربوط به سال ۵۲ شامل مجموع دو مقطع ۴۲ و ۵۲ است و ستون مربوط به سال ۷۲ نیز شامل مجموع دو مقطع ۶۲ و ۷۲ است.

■ در سال ۶۲ روزنامه کیهان دو برابر اطلاعات در صفحه اول خود تیترهای مربوط به اخبار توسعه داشته و اطلاعات ۲/۵ برابر کیهان تیترهای مربوط به امور مذهبی، ۸۱ درصد تیترهای «حوادث و اتفاقات» متعلق به کیهان بود، و ۱۹ درصد بقیه متعلق به اطلاعات بوده است. در حالی که در سال ۷۲ میزان تیترهای «توسعه» در صفحه اول اطلاعات ۲/۵ برابر کیهان بوده است.

از عکس‌های غیر خبری و آرشیوی - عمدتاً عکس چهره‌ها و شخصیت‌ها - در روزنامه‌های بعد از انقلاب افزایش چشمگیری یافته است. به طوری که ۶۵/۵ درصد از عکس‌های آرشیوی متعلق به بعد از انقلاب و ۷۳/۶ درصد از عکس‌های خبری مربوط به قبل از انقلاب است، و این امر برخلاف موازین علمی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است و باعث می‌شود صفحه اول «کهنه» به نظر برسد.

وضعیت تیترهای اول دو روزنامه

در این تحقیق، بررسی جداگانه‌ای نیز در مورد تیترهای اول - بزرگترین تیتر صفحه اول هر شماره - دو روزنامه در هر چهار مقطع صورت گرفته است. یعنی علاوه بر آنکه یک‌بار در بررسی کلیه تیترها و مطالب صفحه اول، تیترهای اول نیز لحاظ شده، مطالعه جداگانه‌ای نیز روی این دسته از تیترها صورت گرفته که نتایج مهم آن را در اینجا می‌آوریم:

- به‌طور کلی تیترهای اول بعد از انقلاب، عمدتاً بر مسائل «ارزشی» تکیه داشته‌اند و علی‌رغم آنکه هر دو روزنامه به دلیل برخورداری از نیروی انسانی آموزش دیده و مجرب، نقش و جایگاه اطلاع‌رسانی خود را می‌شناخته‌اند، تیترهای اول آنها غالباً مبین ارزشها، اعتقادات، آرمانها و دیدگاههای رهبر و سایر مقامات بلندپایه نظام و انقلاب است که در بیانات آنها متجلی است. دلایل این امر در بخش قبلی بیان شد. - علی‌رغم آنکه به نظر می‌رسد روزنامه‌های بعد از انقلاب در تیتر اول خود بیشتر به موضوع «جنگ، خشونت‌های سیاسی و امور دفاعی» پرداخته باشند عملاً فراوانی این موضوع در تیترهای اول قبل از انقلاب حدود ۲۲/۵ درصد بیشتر است اما در برابر، تیترهای اول دارای محتوای «امور داخلی - سیاسی» در دو روزنامه و در مقاطع بعد از انقلاب به بیش از دو برابر قبل از انقلاب رسیده‌اند.

- هر دو روزنامه بعد از انقلاب در تیتر اول خود به «حوادث و اتفاقات» توجهی نشان نداده‌اند در حالی که به دو موضوع «توسعه» و «امور مذهبی» توجه خاصی مبذول کرده‌اند.

- در حالی که از مجموع ۹۶ تیتر اول قبل از انقلاب، ۵۳ تیتر، دارای ارزش «برخورد و درگیری» بوده‌اند این نسبت بعد از انقلاب به ۲۵ تیتر رسیده است و این خود پاره‌ای انتقادات را مبنی بر اینکه روزنامه‌های بعد از انقلاب

در صفحه اول چهار مقطع نسبتاً پایین است ولی در دوره بعد از انقلاب سهم دو روزنامه کاهش یافته است - ۲۴/۴ درصد قبل از انقلاب و ۱۳/۹ درصد بعد از انقلاب - در مجموع سهم عکس در صفحه اول چهار مقطع به ۱۹ درصد کل موارد می‌رسد و این نشان می‌دهد که ارزش و جایگاه عکس در صفحه اول دو روزنامه چندان جدی گرفته نشده است. دست‌کم سه علت را می‌توان برای این نقیصه ذکر کرد:

الف: هر دو روزنامه در نیمه دوم صفحات اول خود مقدار زیادی آگهی دارند و همین امر، فضای استفاده از عکس را محدود می‌کند.

ب: بیان روزنامه‌های ما اساساً بیان کلامی است نه بصری و تصویری.

ج: تولید عکس‌های زنده، خبری، گویا و جذاب به‌طور کلی ضعیف است.

در عین حال گفتنی است که میزان استفاده

را بررسی و کنترل کنند تا هرچه بیشتر معیارهایشان را به هم نزدیک نمایند.

در سال ۷۲ نیز با توجه به استفاده از منابع مشترک و پایین بودن میزان اخبار تولیدی و ابتکاری - اختصاصی - در صفحه اول، شباهت‌های آنها بیشتر است.

در مورد سال ۶۲، تخصص‌گرایی و ثبات نیروی انسانی در دو روزنامه کمتر است و در نتیجه نقش ابتکارات فردی در شرایط پر تنش اجتماعی و سیاسی غالب می‌شود و این خود می‌تواند موجب برخی تفاوتها باشد.

در سال ۴۲ نیز با توجه به اینکه هنوز مسعیارها و موازین حرفه‌ای روزنامه‌نگاری آنچنانکه باید ملحوظ نمی‌شود، نقش سردبیران و دست‌اندرکاران مطبوعات در تعیین کم‌وکیف تیترها مؤثر بوده است.

۱۱. میزان استفاده هر دو روزنامه از عکس

عمدتاً به جنگها، زدوخوردها و رویدادهای «منفی» می‌پردازند با تردید روبرو می‌سازد. در عین حال استفاده از ارزش «شهرت» در تیتراهای اول بعد از انقلاب نزدیک ۸ برابر شده است.

– «شخصیت‌گرایی» در تیتراهای اول بعد از انقلاب بیش از ۱۲ برابر قبل از انقلاب شده است، در حالی که نسبت تیتراهای صرفاً خبری به غیرخبری، قبل از انقلاب به حدود ۹۶ درصد می‌رسد.

– میزان استفاده از تیتراهای «نقلی» به عنوان تیترا اول، بعد از انقلاب به بیش از چهار برابر این نوع تیترا در قبل از انقلاب رسیده است و این خود تأییدی است بر ادعای ارزشی شدن، فرآیندگرایی و در نتیجه طولانی‌تر شدن تیتراهای اول بعد از انقلاب. زیرا قبل از انقلاب تنها ۳ درصد تیتراهای اول دو روزنامه، فرآیندگرا بوده‌اند. در حالی که این نسبت بعد از انقلاب به ۵۳ درصد یعنی نزدیک به ۱۸ برابر رسیده است. بنابراین می‌بینیم که «فرآیندگرایی» در تیتراهای اول بعد از انقلاب بر رویدادگرایی می‌چرید و این امر گرچه از جاذبه ظاهری روزنامه ممکن است بکاهد اما می‌تواند مبین نزدیک‌تر شدن آن به مسؤولیت‌های اجتماعی باشد.

همچنین از آنجا که بیان و توجیه ارزش‌ها به صورت جامع و مانع و اقتناع مخاطب از این نظر، در قالب استفاده از چند کلمه یا یک جمله کوتاه، غالباً میسر نیست، تیتراهای اول دو روزنامه بعد از انقلاب طولانی‌تر شده‌اند و

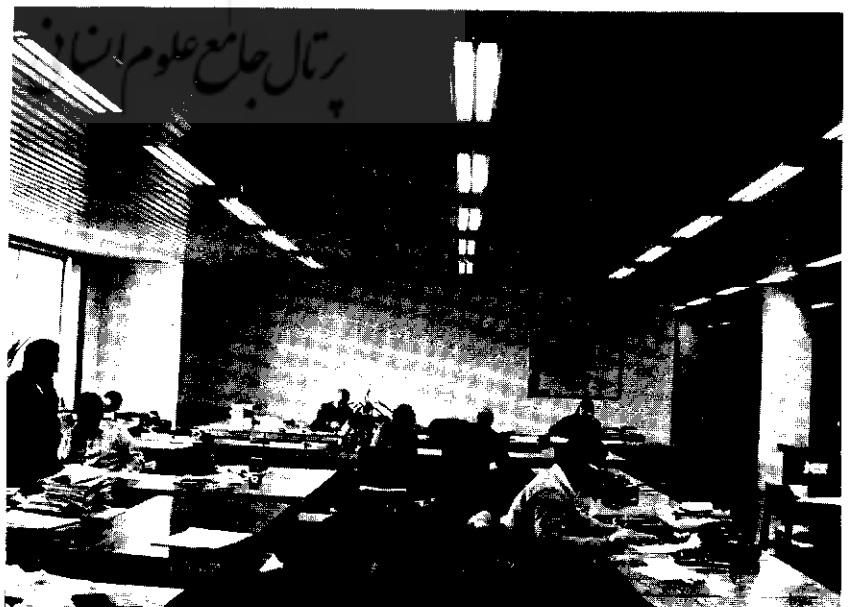
تعداد کلمات آنها به طور متوسط به ۲/۵ برابر قبل از انقلاب رسیده است. توجه به افزایش ۴۰ درصدی استفاده از صفات ارزشی در تیتراهای اول نیز، تأییدی است بر یافته‌های بالا. این امر یعنی افزایش تیتراهای نقلی و

ارزشی باعث افزایش استفاده از تیتراهای فاقد فعل در تیتراهای اول بعد از انقلاب شده است، به طوری که نسبت تیتراهای اول دارای فعل از ۸۲/۵ درصد در قبل از انقلاب به ۶۹ درصد در مقاطع بعد از انقلاب رسیده است. این روش یکی از راه‌های گرفتن «کهنگی» و جنبه «تکراری» تیترا است. البته هنوز هم اکثریت با تیتراهای دارای فعل است. استفاده از تیتراهای فاقد فعل هم بعد از انقلاب، یکی از مواردی است که عدول از چارچوب توصیه‌های حرفه‌ای و اصول علمی تیتراژ را نشان می‌دهد با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری اوقات، این امر به ایجاد قدرت کوبندگی، صلابت و تازگی بخصوص در تیترا اول منجر شده است که به طور جداگانه قابل مطالعه است.

– میزان استفاده از افعال «حال»، «آینده» و نیز «فعل امر» در تیتراهای اول بعد از انقلاب افزایش یافته در حالی که قبل از انقلاب، اکثریت، متعلق به افعال گذشته بوده است که با یافته‌های مربوط به وضعیت کلی زمان افعال در صفحه اول، تفاوت‌هایی را بیان می‌کند.

حرف آخر

به طور کلی می‌توان گفت که چهره صفحه



اول روزنامه‌های بعد از انقلاب نسبت به قبل از آن تا حدود زیادی دگرگون شده است. امروز مطبوعات ما تصویری متفاوت از زندگی، ارزشها، گرایشها، باورها، دین، اخلاق، سیاست، اقتصاد، روابط بین‌الملل و روابط اجتماعی عرضه می‌دارند. ارزش‌گرایی، فرآیندگرایی، پرهیز از جنجال و هیاهو و جلب مشتری به هر قیمت، دوری گزیدن از روزنامه‌نگاری «زرد»، روی‌آوری به روزنامه‌نگاری تشریحی، انتقادی و تا حدودی تحقیقی و اصل نبودن جاذبه‌های ظاهری و گاه کاذب، همچنین اخلاق‌گرایی و ایجاد و پرورش روحیه نقادی در جامعه از جمله گرایش‌ها و چرخش‌های مثبت در مطبوعات است. البته هنوز تا نقطه‌ای که باید برسیم فاصله داریم ولی می‌توان امیدوار بود که قدم‌های اول را برداشته‌ایم. این نوع روزنامه‌نگاری البته ضعف‌ها و انتقادهای خاص خود را هم دارد: فاصله گرفتن از طرح و تحلیل نیازهای ملموس و واقعی جامعه، قابل شدن نقش ارشادی بسیار غلیظ برای مطبوعات، همگام نشدن با سرعت تحولات و عدم تغذیه کافی جامعه از اطلاعات متنوع، تازه و موردنیاز با توجه به تعدد منابع و مجراهای اطلاع‌رسانی در حال حاضر، می‌تواند به ایجاد شکاف تفاهمی میان مردم و مطبوعات منجر شود که در این مورد باید سخت مراقب و هوشیار بود.

روزنامه‌نگاری امروز در ایران و جهان به مراتب دشوارتر از گذشته است، زیرا از یک سو مخاطبان، متحول یعنی آگاه‌تر، فهیم‌تر، حساس‌تر و پرتوقع‌تر شده‌اند و از سوی دیگر، شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و واقعیتهای محیط داخلی و بین‌المللی پیچیده‌تر و پررمز و رازتر شده است و به همین دلیل روزنامه‌نگار امروز باید با درک و درایت هرچه تمامتر و بینشی همه‌جانبه‌تر به حرفه و جامعه خود نگاه کند.

روزنامه‌نگاری امروز از یک‌طرف باید طبع تنوع طلب و جست‌وجوگر مخاطب را برای آگاهی از آنچه در محیط ملی و بین‌المللی می‌گذرد ارضاء کند و از سوی دیگر مفاهیم عمیق و کسبی و نیازهای واقعی را به او بشناساند و اجازه ندهد که سطحی‌نگری، ظاهربینی، عوام‌فریبی و تنگ‌نظری در تحلیل پدیده‌ها و رخدادها جای خردگرایی، تدبیر و ژرف‌نگری را بگیرد. باید روزنامه‌نگاری محققانه، عالمانه،

جدول شماره ۶

تعداد و درصد فراوانی تیرهای اول دو روزنامه و مقایسه آنها از حیث ارزشهای خیری در مقاطع قبل و بعد از انقلاب

موضوع	۱۳۵۲	۱۳۷۲	جمع
۱. برخورد تعداد درصد سطری درصد ستونی	۵۳ ۶۷/۹ ۵۵/۲	۲۵ ۳۲/۱ ۲۶	۷۸ ۴۰/۶
۲. شهرت تعداد درصد سطری درصد ستونی	۴ ۱۱/۸ ۴/۲	۳۰ ۸۸/۲ ۳۱/۳	۳۴ ۱۷/۷
۳. دیرگیری تعداد درصد سطری درصد ستونی	۱۰ ۳۷ ۱۰/۴	۱۷ ۶۳ ۱۷/۷	۲۷ ۱۴/۱
۴. برخورد+دیرگیری تعداد درصد سطری درصد ستونی	۱ ۱۶/۷ ۱	۵ ۸۳/۳ ۵/۲	۶ ۳/۱
۵. شهرت + دیرگیری و هجیب تعداد درصد سطری درصد ستونی	۸ ۵۰ ۸/۳	۸ ۵۰ ۸/۳	۱۶ ۸/۳
۶. برخورد + شهرت و برخورد + شهرت + دیرگیری و سایر تعداد درصد سطری درصد ستونی	۲۰ ۶۴/۵ ۲۰/۸	۱۱ ۳۵/۵ ۱۱/۵	۳۱ ۱۶/۱
جمع	۹۶ ۵۰	۹۶ ۵۰	۱۹۲ ۱۰۰

$\chi^2 = ۳۷/۰۳$ df=۵ $P < ۰/۰۰۰۱$
توضیح: ستون مربوط به سال ۵۲ شامل مجموع دو مقطع ۴۲ و ۵۲ است و ستون مربوط به سال ۷۲ نیز شامل مجموع دو مقطع ۶۲ و ۷۲ است.

■ **کیهان در سال ۷۲، در مقایسه با سه مقطع دیگر از تیترهای «شخصیت‌گرای» کمتری استفاده کرده است.**
■ **۷۰/۵ درصد از تیترهای دارای ارزش «شهرت» در سال ۷۲ متعلق به اطلاعات بوده است.**
■ **تعداد کلمات یا حجم تیترهای صفحه اول در دو دوره بعد از انقلاب بطور متوسط به دو برابر قبل از انقلاب رسیده است.**
■ **تیترهای اول بعد از انقلاب بر مسایل «ارزشی» تکیه داشته‌اند.**

باشیم با دنیا ارتباط و گفت‌وگو شوند و دادوستد داشته باشیم. هم باید برای حرفه‌ایان گوش شنوا پیدا کنیم و هم برای شنیدن دیدگاه‌های دیگران آمادگی داشته باشیم و در عین حال تجربیات روزنامه‌نگاری خود را مدون و براساس آنها نظریه‌پردازی کنیم.

این‌کار به پژوهش، روحیه پژوهش‌گرایی و کار علمی‌کردن در عرصه روزنامه‌نگاری نیاز دارد. به عنوان یک راه‌کار، به نظر می‌رسد که پیوند میان مطبوعات، دانشگاهها، سازمانهای علمی، پژوهشی و نیز ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی جامعه، کارساز باشد. □

عمیق و آگاهی‌بخش را با موازین و شیوه‌های جذاب و مؤثر به کار گرفت تا امکان مشارکت واقعی مردم در جریان رشد و توسعه اجتماعی فراهم شود.
به نظر می‌رسد که روزنامه‌نگاری امروز در مرحله دشوار «گذار» و «انتقال» به سر می‌برد. شاید بتوان گفت که از نوعی روزنامه‌نگاری «بی‌هویت» به سوی «هویت‌جویی» و «الگوسازی» در حرکت است. این مرحله، بسیار حساس و تعیین‌کننده است. اگر این هویت‌جویی و الگوسازی، با مطالعه و تحقیق علمی و غیرمتمصبانه همراه نباشد و اگر «مقتضیات زمان» و «روح زمانه» در آن لحاظ نشود، یافته‌های جدید هیچ‌گاه ارزش «سرمشق‌شدن» را نخواهند یافت و ماندگار نخواهند شد. روزنامه‌نگاری پس از انقلاب، این ظرفیت و آمادگی بالقوه را داشت که به الگوی یگانه و «سرمشقی» عصر ما در عرصه ارتباطات جهانی تبدیل شود اما به نظر می‌رسد آنچنان‌که باید، از فرصت‌ها استفاده نکرده‌ایم. به خاطر داشته باشیم که روزنامه‌نگاری

متعهدانه، مسؤولیت‌شناس و آگاهی‌بخش، همیشه با خطر از دست دادن مخاطب و حلقه‌های وصل خود با جامعه روبروست. این نوع روزنامه‌نگاری هیچ‌گاه، گیرایی و تأثیر خبرسازی‌های جذاب، پرکشش و ظاهر فریب را ندارد. در عین حال مردم دوست ندارند که مدام نصیحت شوند و به آنها به چشم افراد فاقد تشخیص و عزم و اراده نگاه شود. چنین تلفیقی از نیازها و ضرورت‌ها، باید و نیابدها، هوشیاری وسیعی می‌طلبد و کاری است سنگین و پرمسؤولیت، اما شدنی.

امروز باید تخصص، تعهد، تیزبینی و درک و بینش اجتماعی را به هم بیامیزیم و در عین حال متوجه این نکته باشیم که در روزنامه‌نگاری نیز همچون عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ نمی‌توان کاملاً و تنها، درونی و بومی عمل کرد. حفظ فرهنگ و هویت بومی و ملی به معنای نادیده گرفتن مقتضیات فرهنگ جهانی و واقعیت‌های فراملی نیست. فرهنگ ملی باید کاربرد یافته‌های جهانی را بومی کند. ما باید قادر